



# چله نشینی

## آداب آن روز صوفیه

پژوهشگر: اکرم مصطفی  
عضو هیئت علمی دانشکاه آزاد اسلامی واحد اسلام شهر

شمس الدین عاملی می‌نویسد: متصوفه سالک را در مبدأ به خلوت فرموده‌اند تا در کوره‌پ خلوت نفس او به آتش ریاضت کداخته شود از الایشی طبیعت صافی کردد و تعیین آن به اربعین مستفاد از آنچه رسول (ص) فرموده: «من أخلص الله أربعين صباحاً ظهرت له ينابيع الحکمة من قلبه على لسانه». کسی که چهل روز خالصان عبادت و اعتکاف کند چشمهای حکمت از دلش بر زبانش جاری می‌کردد. و از کلام الهی در بیان میقات و تبتل و انقطاع موسی (ع) با حق سبحانه و تعالی آن‌جا که فرمود: «اعذنا موسی ثلاثین لیلةً و اتممنها بعشر فتم میقات ربی أربعین لیلةً» و عده کذا داریم با موسی به سی شب و سیس ده شب دیگر بر آن افزودیم تا میقات او با خداوند چهل شب کامل شد.

(العرفان ۱۴۲) انفاس الفنون ۲ مقاله‌ی سیم در علم تصوف فصل نهم (۲۸) در اوراد الاحباب در شرح ارتباط این کلمه در حدیث پیامبر آمده است: بنده سالک در این چهل روز هر روزی به واسطه اخلاص عمل الله تعالی یک طبقه از طبقات جبلت ترابی که مبعد بنده است عن الله تعالی منکشف می‌شود تا در چهل روز کامل ایام خلوت آن چهل طبقه حجاب روز تخریم را کشف کند و نشان تاثیر اربعینیه در سالک و علامت صدق او در خلوت و نشان آن که در این اربعینیه به شرایط اخلاص وفا کرده است، آن است که چون از خلوت اربعینیه بیرون آید، بیش به دنیا رغبت نکند و زهد نماید و از دار غرور دور شود و به دار الخلود بازگردد. جهت آن که ترک دنیا از ضرورت و لوازم حکمت است در دل و هر که به دنیا رغبت نماید و زهد نکند علامت آن باشد که در خلوت بر هیچ حکمتی ظفر نیافت، است و هیچ حاصلی نکرده و هر که را بعد از اربعینیه در باطن حکمت پدید نیاید از آن باشد که شرایط خلوت او به خلل بوده است و اخلاص به جای نیاورده است و هر که اخلاص به جای نیارد خدای را عبادت خواهد کرد. جهت آن که خدای تعالی عبادت بی‌اخلاص را قبول نمی‌کند، قال الله تعالی و ما امره لا ليعبد الله مخلصين له الدين.

چهل عدد کمال است چه آن که پیامبر (ص) در چهل ساله‌گی مبعوث شد. و شعراء به بهانه‌های مختلف به اربعین و چله نشینی اشاره کرده‌اند چنان که حافظ می‌کوید:

که ای صوفی شراب آن که شود صافی  
که در شیشه بماند اربعینی  
یا خاقانی می‌کوید:

مرا ز اربعین مغان چون نپرسی؟

که چهل صبح در مفسرا می‌کریم  
دیوان خاقانی ص ۲۸۸

یا به یک قیام و چهار اصل و چهل صباح که هست  
ازین سه معنی الف دال میم بی‌اعرب

به بهترین خلف و اربعین صباح پدر  
به صبح محشر و خمسین الف روز حساب  
دیوان خاقانی ص ۵۱

با علم چهل صبح را مکتبی از استه  
روح مثاله‌نویس نوح خلیفة کتاب

روح بر زبان لطف براندی شای خاک  
دیوان خاقانی ص ۲۷

با خاک چهل صباح سرشتی به دست صنع  
خود بر زبان لطف براندی شای خاک

دیوان خاقانی ص ۲۳۹

صمت و جوع و سهر و خلوت و نکر به دوام  
ناقصان را کند این پنج چله تمام

اپاورقی مصباح‌الهدایه ص ۱۶۳

اربعین یا چله‌نشینی، یکی از آداب اهل سیر و سلوك است که در طی آن با رعایت آداب و مراسم خاصی چهل روز به ریاضت می‌پردازند. و در وجه تسمیه اربعین به قرآن مجید استناد کرده‌اند: حَمَّر طِينَه آدم بَيْدَه اربعین صباحاً.



شمس به موارد بسیار بر می خوریم که در خدمت مشایخ ریاضت‌ها دیده و اربعین و چله‌ها گرفته بود و اصولاً زندگانی این مرد کامل با ریاضت‌شاق توانم بوده است. مولانا نیز از وقتی که پس از فوت پدر در تحت تعلیم و ارشاد محقق ترمذی درآمد چندین اربعین و چله گذراند. چنان‌که افلاکی اشاره کرده است: و چون حضرت مولانا از غله زیارت مردم خلوت شد به طریق یاری سید محقق ترمذی فرمود که **وَاللَّهِ وَالْمُثَمَّ** که در طریق جمیع علوم ظاهر صد هزار همچو پدری می‌خواهم که زمانی هم در علوم باطن خوض کنی. و مرا ارادت است که پیش من خلوتی برآری، اشارت سید را به صدق تمام تلقی نمود و سید فرمود که هفت روزه‌ای بکیر. مولانا گفت: قوی اندک است تا چهل روزه باشد. سید خلوتی راست کرده، مولانا را به خلوت نشانده در حجره را به گل درآورد. گویند غیر از ابریقی آب و چند قرص جوین هیچ نبود بعد از آن که چهل بگذشت، سید در حجره را بگشاد چون درآمد دید حضرت مولانا به حضور تمام در گنج تفکر سر به گریبان تحریر فرو برده ساعتی توقف کرده اصلًا نگران نشد. سید آهسته بپرون آمد در خلوت را برآورد، تا چله دیگر بگذشت سید نعره‌زن در خلوت را خراب کرد، دید که مولانا از خلوت به صد جلوت تبسیکنان برابر سید آمد و هر دو چشمان مبارکش، از مستی دریای موج الهی کشته بود. باید اشاره داشت که مولانا بعد از رسیدن به مقام ارشاد اربعین و چله را از ضروریات سلوك نمی‌دانستند و حتی مولانا به پسرش سلطان ولد پس از الحاج و اصرار بسیار اجازه اربعین و چله داد و افلاکی در این باب می‌کوید: حضرت سلطان ولد در سن بیست و یک ساله‌کی روزی از حضرت مولانا التماس نمود که البتہ به خلوت درآید و چله‌ای فرمود که بهاءالدین محمدیان را خلوت و چله نیست و در دین ما بدعوت است اما در شریعت موسی و عیسی علیهم السلام ایشان را بوده است و این همه مجاهدات برای ما انسایش فرزندان و یاران است. هیچ خلوت محتاج نیست. زحمتی مکش و وجود مبارک خود را منجان. مولانا در مشتی به خلوت‌نشینی وزیر نصرانی اشاره می‌کند:

مکر دیگر آن وزیر از خود ببیست و عظر را بگذشت و در خلوت نشست  
در مریدان در فکند از شوق، سوز بود در خلوت چهل پنجماه روز

عزالدین محمود کاشانی بعد از آن که مقیمان خانگاه را سه طایفه دانسته: اهل خدمت، اهل صحبت و اهل خلوت و در بیان اهل خلوت می‌کوید: . . . هر چند خلوت در عهد رسالت سنت نبوده است ولکن پیش از رسالت رسول صلوات الله به جهت غله محبت الهی و صدق اشتبايق به حق، خلوت دوست‌داشتنی و گاه‌گاه به غار حرا رفتی و آنجا به ذکر و تعبد شبها گذشتی تا غایبی که قربیش در حق او گفتند: ان **مُحَمَّدٌ أَعْشَقُ رَبَّهِ**، شیخ بعد از آن در بیان شرایط خلوت می‌کوید: مراد از خلوت پیش صوفیان مخصوص و مقدیت نیست به اربعین چه انقطاع از خلق و اشتغال به حق امری مطلوب است و با دوام عمر دوام آن پیوسته، ولی در فایده تعیین این اربعین نیز اشاره می‌کند که فایده تعیین اربعین آن است که مبادی کشف غالباً به استكمال این مدت چنان‌که شرط است ظاهر شود و اگر کسی را آن دست دهد که اوقات خود را تا آخر عمر به طاعت حق و فراغت از خلق مشغول دارد و راء آن نعمتی نبود.

شیخ محمود کاشانی به اهل خلوت سفارش می‌کند که هر سال حداقل یک بار به خلوت نشینند تا چون مدت چهل شبانه روز نفس را در ذکر اوراد و مراعات آداب معتمد نمایند و شمره این خلوت را به حکم انجام شرایط دقیق آن منوط دانسته تا "جلوتش در حمایت خلوت بوده و خلوتش مدد و معاون بر عمارت ایقات جلوت". در مثنوی مولانا راجع به چله و اربعین و کیفیت آن و لزومش بحث خاصی نشده است. علتش آن است که در مکتب مولانا و یارانش سلوك به صحبت توان است. به این معنی که تعلیمات این مکتب با ریاضت و اعمال شاق همراه نیست، بلکه سعی می‌شود که با صحبت و ارائه طریقی خاص سالک را به کمال موردنظر برسانند.

اگرچه در آثار و احوال شمس تبریزی و مرید سخت مستعدد او آمده است که هر دو در بدایت کار ریاضت‌ها کشیده و اربعین و چله‌ها گذرانده‌اند. افلاکی در ذکر مناقب شمس تبریزی می‌کوید: هم‌چنان عرفای اصحاب از حضرت خداوندکار چنان نقل کرده‌اند که خدمت مولانا شمس الدین در شهر حلب چهارده ماه در حجره مدرسه در آمد و به ریاضت و مجاهدات به غایبی مشغول شد که اصلًا یک روز از حجره بپرون نخراهمد، از دیوار حجره اواز آمد که "آن لنفسک علیک حقاً" مرحمت فرمود تبسم‌کنان ترک اعتکاف کرده به سوی دمشق عزیمت نمود و در مقالات در طریقت بود سرکوب نماید.



سال سوم مهر و آبان ۱۳۸۲ شماره ۲۲ و ۲۳

## منابع و مأخذ

- اسلام و تصوف تالیف ر. ا. نیکلین، ترجمه محمد حسین نهادنی، انتشارات زوار، خرداد ۱۴۰۱
- مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف، دکتر ضیاء الدین سجادی، انتشارات سمت تهران ۱۳۸۰، چاپ اول
- دیوان خاقانی به کوشش دکتر ضیاء الدین سجادی انتشارات زوار، تهران ۱۳۷۸، چاپ ششم
- مثنوی مولانا جلال الدین بلخی، شرح و توضیح دکتر محمد استعلامی، چاپ سوم، انتشارات زوار ۱۳۷۱
- شرح اصطلاحات تصوف تالیف سیدصادق کوهربن، انتشارات زوار
- مصباح الهدایه و مفتاح الکایه عزالدین محمود کاشانی به تصحیح جلال الدین همایی، انتشارات نشر هما، چاپ چهارم ۱۳۷۲
- اوراد الاحباب و فضوص الاذاب، ابوالمفاخر باخرزی به کوشش ایرج افشار، انتشارات دانشگاه تهران ۱۴۰۵
- مرصاد العیاد، نجم الدین رازی، به کوشش محمد امین ریاحی، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ چهارم ۱۳۷۱
- حافظنامه، به کوشش بهاء الدین خرمشاهی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم ۱۳۷۲
- مناقب العارفین، شمس الدین احمد افلاکی، تصحیح تحسین بازیجی، چاپخانه انجمن تاریخ ترک، انقره ۱۹۷۶ م.

## فیپوگرافیک مشاور و مجری در طراحی، چاپ و تبليغات

تلفن : ۶۷۳۹۹۸۴  
۶۷۲۷۰۸۵

و استناد می‌کند به کلام سهل عبدالله که گفته: "لا یصح السکوت الا بِلَازْمَةِ الْخُلُوْتِ وَ لَا يَصْحُّ  
الثُّوْبَةُ إِلَّا بِالسُّكُوتِ" و شرط ششم نفی خواطر است و می‌گوید که پیوسته جمله خواطر را به قوت ذکر و اشتغال دل به مطالعة نظر الهی به ظاهر و باطن خود رفع کند و شرط هفتم دوام عمل است و در این مرحله نیز عرفان را به مبتدی متوسطان و منتهیان تقسیم کرده و شرایط ویژه‌ای برای هر یک برمی‌شمارد و نجم الدین دایله در باب آداب خلوت هشت شرط برای اربعین بر شمرده که در آنجا شرط اول را تنها در خانه خالی نشستن داشته و روی به قبله اورده مربع، بسته‌ها بر روی ران‌ها نهاده غسل کرده به نیت غسل مرده و خلوت خانه را لحد خویش شمرده و از آن‌جا جز به وضو و حاجت و نماز بیرون نیاید و خانه باید تاریک بوده و کوچک و پرده بر روی در فرو کرده تا هیچ روشی و آواز در نیاید تا حواس از کار فرو افتاد از دیدن و شنوند و گفتن، تا روح چون مشغول حواس و محسوسات نباشد با عالم غیب پردازد و نیز حججه و آفاتی از کار فرو افتاد به تصرف نکر و نفی خواطر محظوظ و آن نوع حجاب نیز بنشیند و روح را با غیب انس پیدی آید و انس او از خلق متفقی کردد.

و در کیفیت خوردن غذا، در هنکام چله‌نشینی می‌گوید: از آداب خلوت یکی تقلیل طعام است نیت کند از شوابی . . . چه شواب اعمال بر حسب نیات است. حال آن که عزیز الدین نسفی رساله ششم از کتاب انسان کامل خود را اختصاص به آداب خلوت داده و در فصل دوم آن در بیان شرایط چله می‌گوید: بدان که شرط اول حضور شیخ است. باید که به اجازت شیخ بنشیند و شیخ حاضر باشد و هر هفته یا به هر ده روز شیخ به خلوت خانه وی رود تا وی را به دیدن جمال شیخ قوت زیاده شود و تحمل و مجاهد، تواند کرد و اگر مشکلی افتاده باشد سوالی کند و شیخ محمود کاشانی بعد از ذکر شرایط تخلیص نیت می‌گوید: باید که در خلوت بعد از تخلیص نیت و اثبات و دوام اشتغال به حق هفت شرط دیگر رعایت کند و به تفصیل، پیوسته بر وضو بودن، پیوسته روزه داشتن، قلت طعام اشاره کرده و در این شرط (قلت طعام) اصحاب خلوت را سه طایفه دانسته، اقویا، متوسطان و ضعفا، ضعفا هر شب افطار کنند و متوسطان به هر دو شب و اقویا به هر سه شب، و شرط چهارم قلت خواب است و خوابی را که بر سبیل ضرورت و اضطرار بود را عین عبادت دانسته و شرط پنجم قلت کلام است و صحت مقام تو به را در سکوت می‌داند.

..... من نخواهم شد از این خلوت برون زان که مشغولم به احوال درون (۱۴۱ ص ۲۲)

و در داستان شیر و نخجیران می‌گوید: قعر چه بگزید هر که عاقل است زان که در خلوت صفاهای دل است (۱۴۱ ص ۲۳)

و در نفتر پنجم می‌گوید ولی الدولتين و امام القلتین را شایسته این مسائل نمی‌داند: این که در وقت است باشد تا اجل وان دکر یار ابد قرن ازل هست یک نامش ولی الدولتين هست یک نعش امام القلتین خلوت و چله بر او لازم نماند هیچ غمی موروا غایم نماند قرص خورشید است خلوت خانه‌اش کی حجاب ارد شب بیکانه‌اش (۱۴۱ ص ۲۴)

چنان‌که اشاره شد چله‌نشینی آداب و تشریفات و شرایطی دارد، عزالدین کاشانی در این باب می‌گوید: شرط اول آن است که تخلیص نیت کند از شوابی . . . چه شواب اعمال بر حسب نیات است. حال آن که عزیز الدین نسفی رساله ششم از کتاب انسان کامل خود را اختصاص به آداب خلوت داده و در فصل دوم آن در بیان شرایط چله می‌گوید: بدان که شرط اول حضور شیخ است. باید که به اجازت شیخ بنشیند و شیخ حاضر باشد و هر هفته یا به هر ده روز شیخ به خلوت خانه وی رود تا وی را به دیدن جمال شیخ قوت زیاده شود و تحمل و مجاهد، تواند کرد و اگر مشکلی افتاده باشد سوالی کند و شیخ محمود کاشانی بعد از ذکر شرایط تخلیص نیت می‌گوید: باید که در خلوت بعد از تخلیص نیت و اثبات و دوام اشتغال به حق هفت شرط دیگر رعایت کند و به تفصیل، پیوسته بر وضو بودن، پیوسته روزه داشتن، قلت طعام اشاره کرده و در این شرط (قلت طعام) اصحاب خلوت را سه طایفه دانسته، اقویا، متوسطان و ضعفا، ضعفا هر شب افطار کنند و متوسطان به هر دو شب و اقویا به هر سه شب، و شرط چهارم قلت خواب است و خوابی را که بر سبیل ضرورت و اضطرار بود را عین عبادت دانسته و شرط پنجم قلت کلام است و صحت مقام تو به را در سکوت می‌داند.